



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پیام امید به

منتظران



سید سعید پور سید آقایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام امید به منتظران

نویسنده:

سید مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پیام امید به منتظران
۶	مشخصات کتاب
۶	پیام امید به منتظران
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پیام امید به منتظران

مشخصات کتاب

نویسنده: سید مسعود پور سید آقایی

ناشر: انتظار

پیام امید به منتظران

بسم الله الرحمن الرحيم (ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل - ألم يجعل كيدهم في تضليل....) ۱ - تاریخ ظرف حوادث مشابه است. [۱] حق و باطل، موسی‌ها و فرعون‌ها، مدام مصادیق تازه و نوظهوری می‌یابند و کیدها و نقشه‌ها، پیچیده‌تر می‌شود. اگر در گذشته، دو ابرقدرت روم و ایران - به خاطر آگاهی‌شان از ظهور پیامبری از نسل اسماعیل در جزیره العرب و این که سلطه‌ی آنان را در هم خواهد شکست - می‌خواستند مانع طلوع نور محمدی و یا لااقل بالا- گرفتن کار او شوند، امروزه نیز برخی قدرت‌های استکباری، می‌خواهند مانع ظهور نور مهدوی و یا بسط حاکمیت او شوند، غافل از آن که اگر در مورد محمد، صلی الله علیه و آله و سلم، شد آن چه باید می‌شد - (ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل) - در مورد مهدی، عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیز می‌شود آن چه باید بشود: (وعد الله الذين آمنوا... ليستخلفنهم في الأرض) [۲] و (ونريد أن نمنن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين) [۳] و (جاء الحق وذوق الباطل إنَّ الباطل كان زهوقاً). [۴]. سوره‌ی فیل، پیام امیدی به مستضعفان و ظلم ستیزان عالم و هشداری به پیل سواران و زورمداران مستکبر است. این سوره، همان گونه که درخشش نور و پیام امیدی برای رسول، صلی الله علیه و آله و سلم، و همراهان‌اش، در اوج ستم قریش و حاکمیت جور دو ابرقدرت روم و ایران بود، برای انسان چشم به راه معاصر و مسلمان مستضعف امروز نیز هست. ۲ - هستی، مجموعه‌ای است «هدف‌مند» [۵]، «زمان‌مند» [۶]، «قانون‌مند» [۷]، «مستحکم» [۸]، «زیبا». [۹] از منظر ربوبی، کتاب هستی، همان‌طور که «هدف‌مند» است، «قانون‌مند» و برخوردار از سنت‌های الهی هم هست، سنت‌ها و قانون‌هایی که حاکم بر انسان و جوامع و تمامی هستی است. کسانی که با نظام حاکم بر انسان و جهان جوامع درگیر شده‌اند، ناچار ضربه می‌خورند و می‌شکنند. این شکست و عذاب در آدمیان و در امت‌ها، این طلوع و غروب جوامع در افق تاریخ، همه، این نشان شکست را با خود دارد. شرقی و غربی، هیتلر و موسولینی، چنگیز و تیمور، فرعون و قارون، کسری و قیصر، پهلوی و صدام، آمریکا و شوروی، طبرستان، تفاوتی ندارند. اصحاب فیل و حاکم‌های مسلط که می‌خواهند مستضعفان و اولاد ابراهیم را پراکنده و نابود کنند، خودشان، چونان برگ‌های پوسیده و موربانه خورده می‌شوند و پراکنده‌ها به ایلاف و الفت می‌رسند. ۳ - رفتن باطل، یک ضرورت است و آوردن حق یک رسالت. ضرورت است، چون در نظام خلقت، بی‌حساب حرکت کردن، نابودی است؛ زیرا، در راه پرپیچ و خم و قانون‌مند جهان، ناهماهنگی، مرگ است و عذاب است. سنت‌ها و قانون‌ها، مرصاد و کمین کسانی هستند که سرکشی و غرور را بر خود بسته‌اند و چشم‌ها را کور کرده‌اند و راه را نخواسته‌اند. خدا، با این مرصاد و با این سنت‌ها، جلوگیری آنان است: (إن ربك لبالمرصاد)؛ [۱۰] خدای تو، به واسطه و همراه مرصاد، جلوگیری آنانی است که طغیان کرده‌اند و از جایگاه خود بیرون زدند و در نتیجه، فساد را به اوج رساندند و دامنه‌ی آن را گسترده‌تر کردند تا آن جا که تازیانه‌ی عذاب بر آنان فرو ریخت. وظیفه و تکلیف ما، این است که امام و جلودار زمان باشیم: (واجعلنا للمتقين إماماً). [۱۱] و جلوتر از سنت‌ها و مرصدها و عذاب خدا، در برابر آنان بایستیم و زمین را بر ایشان تنگ کنیم و زمینه را از آنان بگیریم و مهره‌هایی بسازیم و در برابرشان نفوذ کنیم و آنان را از داخل منهدم کنیم و حرکت‌ها را شتاب دهیم. این، وظیفه‌ی ما است! اگر به این وظیفه گردن نهاده‌ایم و یا تنها ماندیم و چون نوح پس از آن همه فریاد، و چون موسی پس از آن همه آیات، به غربت نشستیم و

کسی یارمان نشد، در جهان قانون‌مند و در راه، این عرابه‌ی طغیاگر که از راه بیرون زده، گرفتار درّه‌ها و کوه‌ها خواهد شد. ماشینی که از جاده بیرون بزند، سنگ‌ها و دره‌های کنار جاده، او را در هم خواهند شکست. باطل، حتما رفتنی است: (إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) [۱۲]، اما این مسئله‌ای نیست که ما به آن افتخار کنیم؛ چون، کار ما، آوردن حق و تحقق بخشیدن به آن است، و این، کاری است که رسالت ما است و این رسالتی است که باید پیش از رفتن باطل، آن را بیاوریم؛ زیرا، باطل رفتنی بود: (إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ ذَهُوقًا). [۱۳] ۴- آدمی، محدود است. با رسیدن به قدرت و غنا، به غرور، به طغیان، به تجاوز، به فساد می‌رسد. در پوست خود نمی‌گنجد، از خود غافل می‌شود، از هدف و از نظام چشم می‌پوشد، دیگران را به اسارت می‌کشد. ترس از تحوّل و افول نعمت‌ها و قدرت، او را در متن قدرت، هراس‌ناک و ضعیف می‌کند، و در اوج اقتدار، به وسوسه و بدبینی و سخت‌گیری و بدرفتاری می‌کشاند. این خط کام‌یابی و کام‌رانی، غرور و طغیان، تجاوز و فساد، هراس و بدبینی، اسراف و افساد، خطی است که از فرزند ستمگر آدم تا تمامی فرعون‌ها و قارون‌ها گذشته است: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْغَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ)؛ [۱۴] انسان، حتی با خیال و اعتقاد به استغنا، طغیان‌گر است، مگر هنگامی که حدود و دیوارها را بشکند و به وسعت وجود خویش برسد و دیگر جمع و تفریق نعمت‌ها و قدرت‌ها در او موجی نیاورد، نه غروری و نه حسرتی، نه لهو و لغوی، نه اسراف و فساد. محدودیت وجودی، غرور و سرشاری و طغیان و فساد را همراه دارد. وسوسه و هراس، بدبینی و بدرفتاری را به دنبال دارد. این همراه و دنباله‌ی محدودیت، وسعت تاریخ را سیاه و سرخ کرده است. کسانی که بار نعمت‌ها را به دوش کشیده‌اند و هدفی را باور نکرده‌اند و نظامی را نشناخته‌اند و حاکم و ناظر و مَهمی را ندیده‌اند، در این سیل نعمت، غرق می‌شوند و غرق می‌کنند. نعمت و قدرت بدون این توجه و نظارت، مرداب مرگ خاموش است. ۵- در دهه‌های اخیر، جهان غرب، علاقه زیادی به موضوع آخرالزمان و آینده‌نگری از خود نشان می‌دهد و در این راه، سرمایه‌گذاری‌های شگرفی کرده است. بدون تردید، در هیچ دوره‌ای، نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران غربی، به اندازه‌ی امروز، درباره‌ی آینده‌ی جهان، پایان تاریخ، ظهور مسیح، ضد مسیح (دجال) و همه‌ی آن چه که غرب و تمدن مادی، آن را به خطر می‌اندازد، گفت و گو نکرده و براساس آن اقدام به تولید آثار فرهنگی و تدوین استراتژی‌ها و تنظیم سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نکرده‌اند. انتشار مجموعه‌ی گسترده‌ی از کتاب‌ها و مقالات با موضوعات یاد شده و تولید و توزیع گسترده‌ی فیلم‌های سینمایی با همین موضوع - که عمدتاً محصول کمپانی‌های آمریکایی و صهیونیستی هستند - مانند آرماگدون و روز استقلال و طالع نحس و ترمیناتور و نوسترا داموس و... و تأسیس سایت‌های اطلاع‌رسانی در شبکه‌ی جهانی اینترنت [۱۵] از زمره‌ی بخش آشکار این رویکرد عمومی غرب به موضوع آخرالزمان و آینده‌نگری در این باره است. این همه، آدمی را به این فکر می‌اندازد که طرحی میاندار است و نقشه‌ای در دست اجرا است. این که سخنان نظریه‌پردازانی مانند هانتینگتون، تافلر، فوکویاما،... درباره‌ی «پایان تاریخ» و «جنگ تمدن‌ها»، تبدیل به استراتژی سیاسی - نظامی سیاست‌مداران حاکم بر آمریکا و انگلیس شده، حکایت از واقعه‌ای مهم و جریانی پیوسته و سازمان یافته در لایه‌های پنهانی سیاست و فرهنگ و اقتصاد جهان استکبار می‌کند. به راستی، چه رخدادی در حال شکل‌گیری است و یا چه وعده‌ای در حال تحقق است و نشانه‌های آن آشکار گشته که جهان غرب، تمامیت فرهنگ و تمدن خود را در خطر دیده و بی‌مهابا و بدون هیچ ملاحظه‌ای، ولو به قیمت از دست رفتن تمام حیثیت خود - به دلیل دمیدن در بوق دمکراسی در مناسبات سیاسی و فرهنگی - و ظهور و بروز انزجار جهانی و علی‌رغم مخالفت تمامی سازمان‌های جهانی، با سرعت تمام، به عراق هجوم می‌برد و گام در وادی خطرناک جنگ بین‌النهرین و بابل (عراق امروزی) می‌نهد؟ این‌ها و جز این‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که طراحان و علامان آمریکا و انگلیس و اسرائیل، با اطلاع کامل از منابع و اخبار و پیشگویی‌های منجمان و کاهنان به خاطر آن چه که آنان را تهدید می‌کند، استراتژی ویژه‌ی سیاسی و نظامی و اقتصادی خود را طراحی کرده و مرحله به مرحله، آن را به اجرا در می‌آورند و در پی آن هستند تا با اتخاذ «استراتژی بازدارندگی»، پیش از واقعه‌ی بزرگ، ابتکار عمل را به دست گیرند و با کنترل شرایط و پیش‌دستی، امکان ایجاد انحراف در سیر حوادث و تسلط یافتن بر اوضاع را حاصل آورند. [۱۶] ۶.

- برخی، با دیدن شکست‌ها و پیروزها، دچار یاس و غرور می‌شوند و اسیر غفلت می‌گردند و به ظاهر حیات عالم، دل مشغول می‌دارند و از عمق حیات عالم، غافل می‌مانند: (یعلمون ظاهرا من الحیاء الدنیا وهم عن الآخرة هم غافلون). [۱۷]. در حالی که خردمندان، اسیر لحظه‌ها نمی‌مانند و از حوادث، درس‌اش را می‌گیرند و از شکست‌ها، در کوتاه مدّت، درس پیروزی می‌آموزند و از ظاهر این جهان، با توجه به هدف‌مندی و قانون‌مندی و سنت حاکم بر آن، به باطن و عمق آن پی می‌برند و رفت و آمدها و آجال را در تاریخ می‌بینند و هیچ‌کدام از این‌ها را جدای از مشیّت و خواست الهی نمی‌دانند: (لله الأمر من قبل ومن بعد) [۱۸] و (وتلك الأيام نداولها بین الناس) [۱۹] و به نصرت الهی دل‌خوش می‌دارند و از این همه به تبتّه و تذکّر و استیقاظی می‌رسند و از غفلت‌ها فاصله می‌گیرند. ۷- قرآن، کتاب هدایت انسان است: (هدی للناس). [۲۰] آن چه که برای هدایت انسان، در قلمرو انسان و جامعه و هستی لازم است، بیان کرده است و قانون‌مندها و سنّت‌های حاکم بر آنان را یادآور شده است. [۲۱]. قرآن، کتابی زنده و همیشگی و برای همه‌ی زمان‌ها است، [۲۲] و چنان که از روح [۲۳] و هدایت‌های متعددی برخوردار است، [۲۴] از ظهر و بطن (مصادق‌های آشکار و پنهان) و تأویل و تنزیلی هم برخوردار است. تنزیل، یعنی قرآن، درباره‌ی یک عده نازل شده و تأویل، یعنی عده‌ای که این آیه به آنان باز می‌گردد. این معنا، از روایت امام باقر، علیه‌السلام، به دست می‌آید: «لو ان الآیة إذا نزلت فی قوم، ثم مات هؤلاء القوم، ماتت الآیة، لما بقی من القرآن شیء، ولكن القرآن یجری أوله علی آخره مادامت السماوات والأرض ولکل قوم آیه یتلوهام من خیر أو شر». [۲۵]. ۸- به شهادت تاریخ و نهج‌البلاغه، دو ابر قدرت روم و ایران، می‌دانستند که پیامبری از نسل اسماعیل و در جزیره‌ی العرب ظهور خواهد کرد و بر آن جا مسلط خواهد شد. از این رو، به مقابله برخاستند تا چنین چیزی تحقق نیابد و یا در صورت تحقق، ناکام بماند. مسعودی، در مروج الذهب، آورده است، سبب این که شاپور ذو‌الاکتاف، عربان را شکنجه می‌داد، این بود که کاهنان و پیشگویان به او خبر داده بودند که پیامبری از عرب و از نسل اسماعیل، ظهور خواهد کرد و بر ایرانیان سلطه خواهد یافت. او، به خیال خود، می‌خواست از ظهور چنین رسولی جلوگیری کند. [۲۶]. امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، در فرازهایی از خطبه‌ی قاصعه چنین می‌فرماید: فاعتبروا بحال ولد إسماعیل و بنی إسحاق و بنی إسرائیل، علیهم‌السلام، فما أشدّ اعتدال الأحوال وأقرب اشتباه الأمثال! تأملوا فی حال تشتهم و تفرقههم لیالی کانت الأكاسرة و القیاصره أربابا لهم...». حضرت، این خطبه را پس از جنگ خوارج و پیش از جمع‌آوری نیرو برای برخورد نهایی با معاویه بیان کرده است و جامعه‌ی مسلمانان آن روز را با آگاهی به تاریخ و با توجه به قانون‌ها و سنّت‌های الهی، بیم داده و راهنمایی کرده است و در پایان، از خصوصیات تربیتی و اخلاقی حکومت خویش، سخن به میان آورده است. حضرت می‌فرماید، تأملوا أمرهم...، در حالت تشتّت و تفرق، وضع آنان را ببینید. شب‌هایی که کسرها و قیصرها بر آنان حکومت می‌کردند. کسرا و قیصر، اولاد اسماعیل و اسحاق را از سرزمین‌های سرسبز و سرشار و دریای عراق کوچ می‌دادند و در کنار خارها و گردبادها و زندگی سخت می‌نشانند. پس سکونت اولاد اسماعیل و اسحاق در جزیره‌ی العرب، با هماهنگی کسرا و قیصر و همراهی آن دو شکل گرفته است. کسرا، از عرب‌های قحطانی وحشت داشت و روم، از یهودیان آشوب‌گر و بی‌آرام. پس این هر دو باید از سرزمین‌های خود رانده شوند و با خارها و گردبادها، گره بخورند و نتیجه‌ی این سکونت قهرآمیز و این کوچ حساب شده، همین خواهد بود که زندگی سربار و زمین‌گیری را بر آنان تحمیل کنند. هنگامی که زندگی تولیدی و ثروت‌مند آنان بر باد رفت و آنان مسکین شدند، حکومت‌ها، رهایشان کردند و به خودشان واگذاشتند: فتر کوهم عالیہ مساکین. این تحلیل علی، علیه‌السلام، است که با شواهد تاریخی هم می‌خواند و به سؤال‌های سابق هم جواب می‌دهد که «چرا یهود از صهیون و بئر فاران و بیت لحم و فلسطین جدا شده؟ و چرا اولاد ابراهیم، از سرزمین ابراهیم و بین‌النهرین و افق‌های سرسبز و دریای سرشار عراق تبعید شدند؟ و چرا حکومت ایران، از پارس و همدان و مغان دست شسته و به مدائن و تیسفون دل بسته است؟ و چرا شاپور، شانه‌های عرب را بسته و آنان را با مرگ و تبعید عذاب می‌کرده است؟». این همه، حکایت از طرح گسترده و کید پنهان دارد. کیدی که می‌خواهد زمینه‌ی رسالت را بردارد و رسول را پیش از تولّد که در همین عام الفیل است، نابود کند و محور

توحید و الفت و پایگاه امن و رزق عرب‌های وابسته و زمین‌گیر و مهجور را در میان آن سنگ‌های سخت و در میان آن درّه‌های تنگ که از فقیرترین درّه‌ها است و در میان گردبادها و خارهای سخت در هم بریزد و پراکنده سازد. این‌ها، حکایت از چنین جنایت ریشه‌دار و کیدپنهان و طرح ستمگری دارد که باید فیل و فیلبان‌اش شکسته شود و یهودش هجرت کند و ایران و روم‌اش، همان‌طور که رسول نفرین کرده بود - هنگامی که از پاره شدن نامه‌اش برای کسرا خبر آورده بودند - پاره پاره و ممزق شوند که این برگ‌ها و ریشه‌ها این گونه با سَجیل و سنگ‌های رسوب یافته و کوچک، پاره پاره می‌شوند: (فجعلهم كعصف مأكول). لطافت، این است که صاحبان قدرت را با سنگریزه‌ها، و فیل را با پرنده‌های کوچک نابود کند. لطافت، این است که فرعون‌ی که موسی را از نیل گرفته، در نیل غرق شود و آنانی که برای پراکنده ساختن اولاد اسماعیل نقشه کشیده بودند، خودشان مانند برگ‌های پوسیده و موریانه خورده، پراکنده و نابود شوند و تحت فرمان کسانی قرار بگیرند که آنان را سزاوار فرمان‌برداری هم نمی‌شناختند و به دنبال شترها و بزها گره خورده بودند و اسیر گردباد و خارها ساخته بودند. [۲۷]. ۹. بسم الله الرحمن الرحيم - ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل... [۲۸] لإيلاف قريش... [۲۹]. این دو سوره، شاید دو طرف یک سکه باشند: یکی، از عمل خدا و فعل او می‌گوید و دیگری، غایت این فعل و نتیجه‌ی آن را گوشزد می‌کند. در سوره‌ی فیل، از کیدی خبر می‌دهد که دو ابر قدرت در سر داشته‌اند. این کید چیست؟ این نقشه و این برنامه کدام است؟ اینان چه می‌خواستند که هم چون برگ‌های نیم خورده شدند؟ همان‌طور که اشاره شد، علی، علیه‌السلام، در خطبه‌ی یکصد و نودوم (قاصعه)، در یک قسمت، توضیح و تحلیلی دارد: تحلیلی از وضع جزیره و اوضاع بنی اسماعیل و بنی اسرائیل، از این که چه شد که اینان را به جزیره کوچاندند و اسرائیل را در شکم آن جا کاشتند - همان گونه که امروزه آنها را در میان کشورهای اسلامی کاشته‌اند - حضرت، توضیح می‌دهد که دو ابر قدرت روم و ایران، چه گونه برنامه داشتند تا از عربان و از یهودیان خود را خلاص کنند و این که بی‌جهت یهود را به مدینه سنگ‌قلا بنگردند، که کیدها و نقشه‌ها در کار بود، و الا - یهود چه چیزش در مدینه بود؟ آیا صهیون و یا بیت لحم و یا بئر فاران‌اش؟ فعل خداوند، در برابر کیدی است که به گفته‌ی مسعودی در مروج الذهب، از پیش طرح‌اش را ریخته بودند و حتی حمله‌ی شاپور ذوالاکتاف در رابطه با همان کید بود و پراکنده کردن یهود و جمع کردن‌شان در مدینه، باز هم از همان کید بود؛ بت‌پرستی اولاد اسماعیل، باز هم از همان کید بود؛ فقر و جنگ و جهل جزیره باز از همان کید بود. این‌ها نیز از خطبه‌ی قاصعه به دست می‌آمد. این، کید این‌ها است که نمودارش در حمله‌ی به کعبه و شکستن وحدت مطرح می‌شود. همین است که در سوره، به داستان کعبه اشاره دارد، و همین است که عبدالمطلب می‌گوید: «للیت ربّ یمنعک؛ خانه صاحب دارد.» در برابر این کید - که از تاریکی و ضلال برخاسته بود - تضلیل خدا [۳۰] قرار داشت که دوباره آنان را به تاریکی بیندازد. کیدها، از ضلال و گمی سر بر می‌گیرند: (ما کید الکافرین إلاّ فی ضلال) [۳۱]، کید، از این جا بر می‌خیزد و از این تاریکی بیرون می‌آید و او است که این کید از تاریکی برخاسته را دوباره به تاریکی بر می‌گرداند. کسانی که نقشه می‌کشند، به خاطر سیاهی و ظلمتی است که در آن قرار گرفته‌اند. در نتیجه، پس از این گمی و پس از این بن‌بست و سیاهی است که آنان را با پرنده‌ایی کوچک خورد می‌کنند. آن صاحبان قدرت و نیروهای عظیم، این گونه، با پرنده‌های کوچک، نابوده می‌شوند، و این، طبیعی است؛ چون، کسانی که از مرز خود بیرون رفتند و از حدود فراتر آمدند، ناچار باید ضربه بخورند و تمام نیروهای هستی این سرکوبی را می‌توانند عهده‌دار شوند: (لله جنود السماوات والأرض) [۳۲] و (إن ربک لبالمرصاد). [۳۳] آنان، با آن همه کید و برنامه و قدرت و نیرو، به این گونه، در سیاهی و تاریکی می‌مانند و مانند برگ‌ی نیم خورده، رها می‌شوند و آنان که قرار بود از میان بروند، به هم می‌رسند و الفت می‌گیرند. آنان که نه زمین بر ایشان می‌روید و نه آسمان بر سرشان می‌بارید و نه راه امنی داشتند و نه انس و الفتی، به هم پیوسته می‌شوند و با آن که نقشه‌ها برای نابودی‌شان کشیده بودند که گرسنه بمانند و با ترس بمیرند، از همان گرسنگی به آنان غذا داد و از همان ترس به آنان امن بخشید. این همه، با نشان خدای بخشنده‌ی مهربان بود که می‌خواست تا قریش پراکنده را به الفت اجتماعی و الفت اقتصادی برساند و در سفرهای زمستانی و

تابستانی به هم نزدیک‌شان کند. پس اگر بنا باشد در برابر طاغوت‌های فریب‌کار و مکار و در برابر این اربابان، ربّی و معبودی گرفت، آن معبود چه کسی باشد؟ جز همو که طاغوت‌ها را چون برگ نیم خورده کرد، و پراکنده‌ها را به الفت رسانید؟ (فلیعبدوا ربّ هذا البیت). [۳۴] با شکست فیل و همراهان فیل و با شکست کید و طرح وسیع آنان، الفت اجتماعی و الفت اقتصادی حاصل شده است، ولی هدایت و دعوتی لازم است تا الفت اساسی را شکل بدهد و پراکنده‌ها را جمع کند و اینان را در برابر قدرت‌های حاکم بیاورد و محکومان را به حکومت برساند و ضعیف‌ها را پیشویان قدرت بسازد. آن چه این الفت نهایی را فراهم می‌سازد، شناخت و عشق و عبودیتی است که در مغز و قلب و وجود عارف عاشق عابد می‌نشیند، و هوس‌های نهفته و جلوه‌های دنیا و وسوسه‌های پنهان و آشکار را مهار می‌کند، و همین است که دعوت نهایی، دعوت به عبودیت است. پس باید عبد چنین ربّی بود و او را حاکم گرفت: ربّی که خوف و فقر آنان را تبدیل کرده است. نمی‌گوید: «آمن خوفهم»، بلکه می‌گوید: (آمنهم من خوف) [۳۵]؛ یعنی، از ترس به آن امن بخشید و از گرسنگی به آنان غذا داد. همان که باعث ترس و گرسنگی شده بود، با تربیت پیامبر، به امن و سرشاری رسید. اگر این مستضعف‌ها و ضعیف‌شده‌گان، به قدرت رسیدند و اگر این سایه‌های بی‌رمق، آفتاب را به دست گرفتند، پس باید به قدرتی دیگر، در دل این ضعیف، ایمان آورد و باید به محور امنی در این وسعت ترس و هراس، روی آورد و باید به غنای ریشه‌داری، همراه این فقر گسترده تسلیم شد: (فلیعبدوا ربّ هذا البیت). [۳۶].

پاورقی

[۱] ما أشدّ اعتدال الأحوال وأقرب اشتباه الامثال. (نهج البلاغه، خطبه‌ی قاصعه) چه قدر حالت‌ها با هم برابرند و مثال‌ها در شباهت به هم نزدیک هستند.

[۲] نور: ۵۵.

[۳] قصص: ۵.

[۴] اسراء: ۸۱.

[۵] «ما خلق الله السماوات والأرض إلاّ بالحق وأجل مسّی». روم: ۸.

[۶] «إنا كلّ شيء خلقناه بقدر» قمر: ۴۹؛ «وخلق كل شيء فقدره تقديرا» فرقان: ۳.

[۷] «أتقن كلّ شيء» نمل: ۸۸.

[۸] «أحسن كلّ شيء خلقه» سجده: ۷.

[۹] «أحسن كلّ شيء خلقه» سجده: ۷.]

[۱۰] فجر: ۱۴.

[۱۱] فرقان: ۷۴.

[۱۲] اسراء: ۸۱.

[۱۳] نک: درس‌هایی از انقلاب، علی صفایی حائری، ص ۱۹ - ۲۰.

[۱۴] علق: ۶ و ۷.

[۱۵] امروزه، تنها، بیش از پنجاه پایگاه اطلاع‌رسانی در شبکه‌ی جهانی اینترنت، وظیفه‌ی گفت و گو و تفسیر پیشگویی‌های نوسترا داموس را عهده دارند و قریب به صد و بیست پایگاه نیز آرای عرضه شده در باره‌ی گذشته و آینده‌ی جهان در میان مردم را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

[۱۶] نک: جهان امروز و پیش‌گویی‌های آخرالزمان، اسماعیل شفیعی سردستانی، روزنامه‌ی کیهان، ۳۱ فروردین و ۲ اردیبهشت ۸۲.

- [۱۷] روم: ۸.
- [۱۸] روم: ۳.
- [۱۹] آل عمران: ۱۴۰.
- [۲۰] بقره: ۱۸۵.
- [۲۱] «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹).
- [۲۲] امام باقر، علیه السلام: یجری کما یجری الشمس والقمر. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹، ج ۱.
- [۲۳] «أَوْحِينَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا». «روح»، در روایت، به فهم قرآن تفسیر شده است.
- [۲۴] هدی للناس، هدی للمؤمنین، هدی للمتقین، هدی للمحسنین.
- [۲۵] تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۱، ح ۷. روایات فراوانی در ج ۹۲ بحار الأنوار، ص ۷۸ وجود دارد.
- [۲۶] مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۷۹ - ۲۸۲ و ج ۲، ص ۲۹ - ۳۰ و ص ۲۷۷.
- [۲۷] نک: تطهیر با جاری قرآن، علی صفایی حائری، ص ۳۱۳.
- [۲۸] فیل: ۱.
- [۲۹] قریش: ۱.
- [۳۰] تضلیل: ای تصیر إلى ضلال. (ألم يجعل کیدهم فی تضلیل) ای: ألم يجعل کیدهم فی تصیر إلى ضلال.
- [۳۱] غافر: ۲۵.
- [۳۲] فتح: ۴.
- [۳۳] فجر: ۱۴.
- [۳۴] قریش: ۳.
- [۳۵] قریش: ۴.
- [۳۶] قریش: ۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

